

معاملات سود آور به روش Chaos

(تئوری بی نظمی)

مترجم

محمد پورانی - محمدرضا پورانی

1396

سرشناسه	: گریگوری-ویلیامز، جاستین.
عنوان و پدیدآور	: معامله به روش chaos (تئوری آشوب) / نویسنده: جاستین گریگوری ویلیامز، بیل ویلیامز، مترجمین: محمد پورانی، محمدرضا پورانی.
مشخصات نشر	: تهران، آراد کتاب،
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ ص، مصور،
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۲۸۷-۸
یادداشت	: عنوان اصلی: Trading chaos: Maximize profits with proven technical techniques. 2ed
موضوع	: بازار سرمایه - الگوهای ریاضی
موضوع	: بازار معاملات آتی - الگوهای ریاضی
شناسه افزوده	: ویلیامز، بیل، ۱۹۳۲-م
شناسه افزوده	: پورانی، محمد، ۱۳۴۱ - مترجم
شناسه افزوده	: پورانی، محمدرضا، ۱۳۶۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ م ۶ ک / ۴۵۲۳ HG
رده بندی دیویی	: ۳۳۲ / ۶۴۵
شماره کتابخانه ملی	: ۴۷۶۵۹۷۳

معامله به روش Chaos

(تئوری آشوب)

☑ ناشر: آراد کتاب	☑ ترجمه: محمد پورانی - محمدرضا پورانی
☑ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد	☑ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
☑ قیمت: ۲۸۵۰۰۰ ریال	☑ چاپ و صحافی: عطا - امید
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۲۸۷-۸	

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای انتشارات آراد کتاب محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مرکز پخش و فروش:

انتشارات آراد کتاب | تلفن: ۰۶۶۹۷۵۲۸۵ - ۰۶۶۴۸۲۲۲۶ - ۰۹۱۲۳۰۶۲۴۵۸

خرید آنلاین از سایت: www.aradbook.com

تقدیم :

به همسر م به خاطر یک عمر محبت و فداکاری
و دختر م

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
10.....	پیش‌گفتار.....
13.....	مقدمه.....
27	فصل اول
27.....	بازار در واقع آن چیزی است که شما در ذهنتان تصور می‌کنید.....
27.....	هدف فصل.....
29.....	سادگی موجود در تمامی بازارها.....
35.....	ادراک، بینش، علم و تئوری بی‌نظمی.....
38.....	عقاید بازار.....
40.....	منشأ نظرات یا تفکرات شما از کجاست؟.....
43.....	خلاصه.....
45	فصل دوم
45.....	تئوری بی‌نظمی.....
45.....	هدف فصل.....
48.....	علم بی‌نظمی و دنیای شخصی ما.....
52.....	علم بی‌نظمی.....
53.....	علم هندسه فراکتال.....
63.....	خلاصه.....
65	فصل سوم
65.....	شناسایی ساختارهای پایه‌ای ذهن.....
65.....	و بررسی چگونگی تأثیر آن بر برد و باخت.....
65.....	هدف فصل.....
66.....	قوانین مطالعه انرژی بازار.....
69.....	ساختار چیست؟.....
76.....	خلاصه فصل.....
79	فصل چهارم
79.....	حرکت به سمت معامله‌گری.....
79.....	هدف.....
82.....	بازار بازتاب ذهن است.....
83.....	ساختار و ماهیت ذهن.....
87.....	معامله کردن یک شغل درونی است.....
90.....	آنچه که بازار می‌خواهد را بخواهید.....

95	تفاوت چگونه معامله کردن با در حال معامله کردن
97	خلاصه فصل
99	فصل پنجم
99	از کدام نوع معامله‌گران هستید؟
99	اکتشافی برای ارتقاء معامله‌گری
100	کریستف کلمب نمونه‌ای مهم برای معامله‌گران امروزی
105	مثال‌های واقعی از زندگی معامله‌گران
110	خلاصه فصل
111	فصل ششم
111	معامله و سرمایه‌گذاری به روش معاملات ایده‌آل
113	ساختار پایه‌ای روانشناسی هر فرد
113	سفری به درون خودتان
114	برای بینش و سود بیشتر
121	مغز چگونه کار می‌کند
122	کاربرد مفاهیم در بازار
122	قسمت مرکزی مغز (ذهنیت)
124	نیمکره‌ی راست مغز - ذهن نیمه خودآگاه
125	قرار دادن این ایده‌ها در قالب بازار
127	دیدگاه غربی معامله‌گران
127	دیدگاه دیگر (همه ما یکی هستیم)
128	ارتباطات نامرئی
128	اقیانوس بازار
129	چگونه مفهوم خدا در فرهنگ غرب مانع فهم درست بازار می‌شود؟
129	علت و معلول در بازار
130	مراحل فهم دیدگاه شرقی
131	مراقبت از ذهن
132	گوش دادن به زمان کنونی
133	تکنیک‌هایی برای معامله‌گری
134	اهمیت عبارت «نمی‌دانم»
135	با احساس شک، ترس و مقاومت باید چه کار کنیم؟
139	تمرکز بر روی تفکر
141	تفکرات خود را احساس کنید
142	در حال زندگی کنید
143	جایگاه من نمی‌دانم
144	خواهش می‌کنم! توقف نمایید!

146	اشتباه ذهن
147	رزونانس
149	خلاصه فصل
151	فصل هفتم
151	شناسایی مسیر در بازار
151	نیاز به نقشه کاربردی
151	هدف فصل
151	مسیر سودآوری
161	خلاصه
163	فصل هشتم
163	الیگیتور قدرتمند
163	قطب نما و جهت نما برای روند
163	هدف فصل
163	فهمیدن اثر اطلاعات جدید (بی نظمی)
165	مشکل بزرگ معامله گران
166	الیگیتور چیست؟
168	خصوصیات الیگیتور
175	شکل گیری الیگیتور
175	نگاه به آینده
177	الیگیتور در چارت قیمت
178	خلاصه
181	فصل نهم
181	معامله براساس اولین مرد عاقل
181	هدف فصل
182	قیمت واگرای صعودی یا نزولی
184	زاویه سازی
185	قوانین زاویه سازی
187	استراتژی ورود
195	استراتژی خروج
200	خلاصه فصل
203	فصل دهم
203	معامله بر اساس دومین مرد عاقل
203	هدف فصل
204	درک اوسیلاتور awesome
206	سیگنال خرید / فروش AO

213.....	محافظت از ورود.....
214.....	خلاصه فصل.....
215	فصل یازدهم
215.....	معامله براساس سومین مرد عاقل.....
215.....	هدف فصل.....
216.....	شکست فراکتال.....
216.....	الگوی فراکتال.....
225.....	خلاصه فصل.....
227	فصل دوازدهم
227.....	چه اتفاقی رخ می‌دهد اگر تمامی الگوهای مرد عاقل در کنار یکدیگر قرار گیرند؟.....
227.....	هدف فصل.....
229.....	استراتژی سودآور برای ورود به بازار و خروج از آن.....
233.....	فروش یا معامله کوتاه‌مدت.....
236.....	سیگنال فروش غیر تیپیک ولی همچنان سودآور.....
239.....	پیشرفت خود را ارزیابی کنید.....
241.....	تخصیص سرمایه.....
242.....	بازگشت هرمی.....
243.....	خروج از یک معامله هنگامی که در بازار هستید.....
244.....	تمامی معاملات را ببندیم یا تنها قسمتی از آن را؟.....
244.....	خلاصه فصل.....
247	فصل سیزدهم
247.....	چگونه می‌توانید از مشکلی که در آن هستید، دریابید؟.....
247.....	برای هر کس پیش می‌آید.....
247.....	معامله‌گران در سایه.....
248.....	از معامله‌گر درونتان حفاظت کنید.....
249.....	دشمن درونتان (ریشه باورهای منفی).....
250.....	آنچه که شده‌اید ترس آور است.....
250.....	دوست درونی‌تان، انرژی مثبت است.....
252.....	چگونه با برگ‌های صبحگاهی سود خلق می‌کنیم.....
253.....	خلاقیت در مقابل حل مسأله.....
254.....	چه انتظاری باید داشت.....
255.....	ابزار اساسی.....
258.....	قرار معامله‌گر.....
260.....	خلاصه فصل.....

پیش‌گفتار

این اثر از دانشمند برجسته بیل ویلیامز در سال 2004 به رشته‌ی تحریر درآمده است و عنوان آن «معاملات سودآور به روش کی‌اوس» می‌باشد.

علم کی‌اوس یا آشوب بررسی روندها و پدیده‌های بدون نظم نیست بلکه به نظمی فراتر از نظم معمولی می‌پردازد که با ادراک سطحی انسان قابل فهم نمی‌باشد.

پیشرفت علم کی‌اوس نتایج غیرقابل باوری در شناخت و به‌دست آوردن سود از بازار را محقق ساخت که تاکنون علوم فیزیک نیوتن و فیزیک کوانتم این امکان را فراهم نساخته بود. در این کتاب به بررسی علم بی‌نظمی و دستاوردهای آن در تحلیل بازار و گرفتن سود از بازار می‌پردازیم که تاکنون در هیچ‌کدام از کتاب‌های دیگر مشاهده نگردیده است.

در این کتاب همچنین با استفاده از علم نوروساینس به چگونگی استفاده از بخش راست مغز در مقابل استفاده از بخش چپ مغز اشاره کردیم. امری که شما را از یک معامله‌گر ضررده مستمر به معامله‌گر سودآور مستمر تغییر خواهد داد.

آنچه در کتاب‌های دیگر به آن اشاره گردیده است استفاده از تکنیک‌های جدید برای به‌دست آوردن سود می‌باشد ولی ما در این کتاب با ردّ این ادعاها، نشان داده‌ایم که چگونه با تغییر پیش‌زمینه ذهنی و با استفاده از بخش راست مغز، با استفاده از همان تکنیک‌هایی که منجر به ضرر می‌گردید می‌توانید به سودهای قابل توجه مستمر دست پیدا کنید.

این بدان معنی است که تکنیک‌ها منجر به سود نمی‌گردد بلکه این روش استفاده از ذهن می‌باشد که عامل موفقیت در بازار است.

توصیه اکید ما به شما خوانندگان، دانش‌پژوهان و معامله‌گران عزیز این است که واقعاً هر نوع فرایند ذهنی خود را متوقف کنید. با خواندن دقیق و عمیق این کتاب ابتدا با توانایی‌های ذهنی خود آشنا شوید و نحوه‌ی استفاده از توانایی‌ها را در مواجهه با بازار به‌دست آورید و سپس خود را در جایگاه یک معامله‌گر موفق مشاهده کنید.

کتاب حاضر مشتمل بر سیزده فصل است.

این روش خودآموز برای معامله‌گر است، معامله‌گرانی که می‌خواهند شروع به معامله کنند و یا معامله‌گرانی که معاملات همراه با ضرر داشته‌اند و حال می‌خواهند راه درست را در پیش گیرند.

این روش برای کسانی که قصد دارند گواهینامه مدیریت ذهن خود را بگیرند و معاملات شان را آن‌گونه که می‌خواهند رقم بزنند تدوین گردیده است.

اکثر کسانی که این کتاب را می‌خوانند از زمان خواندن این کتاب بیشترین سود را حاصل می‌کنند و به صورت خودآگاهانه تلاش می‌کنند (به معنای کلمه خود آگاهانه توجه نمایید) تا بازار را مورد هدف قرار دهند. بعضی از مواقع ما نیاز داریم خودآگاهانه بعضی از کارها را متوقف کنیم و از راه دیگری آن را انجام دهیم، این کتاب کاملاً در این رابطه است. شما این روش را در آموزش‌های رایج بازار پیدا نخواهید کرد. آموزش‌های رایج به شما یاد می‌دهند که چگونه از اندیکاتورها و نرم افزارها استفاده کنید، ولی هیچ‌گاه یاد نمی‌دهند که چگونه ذهنتان را در محیط بازار آموزش دهید. اگر مشتاق یادگیری هستید ما به شما این مطالب را در این کتاب یاد خواهیم داد.

مطالب کتاب به‌طور سلسله‌وار به هم مرتبط می‌باشد و با عنایت به اینکه هدف از آن اصلاح روش تفکر است، می‌بایست با دقت هر فصل مطالعه شود.

پیشنهاد می‌گردد از مطالعه سطحی کتاب خودداری نمایند چون مطالب مبتنی بر علوم مختلف بوده که عملاً فهم کتاب را ثقیل نموده است.

عمده معامله‌گران ضرر بده در بازار، دچار ناتوانی مزمن در ارزیابی بازار و به‌کار بستن روش‌های متناسب برای اخذ سود از بازار می‌باشند.

در این اثر ریشه‌های ناتوانی ذهنی معامله‌گران ضرر بده را به‌طور کامل و روشن بیان کردیم و روش اصلاح آن را نیز تبیین نموده‌ایم.

مشکل اصلی عمده معامله‌گران در استفاده از بخش کوچکی از ظرفیت‌های مغزی و ذهنی انسان می‌باشد که عملاً با این روش امکان موفقیت در بازار وجود ندارد.

برای رسیدن به نتیجه مطلوب باید فرا بگیریم که از حداکثر توانایی مغزی و ذهنی خود بهره ببریم تا با ادراک جامع و کامل بتوانیم حقایق بازار و نحوه مواجهه با حرکت‌های آتی بازار را فرا بگیریم، و نهایتاً کسب حداکثر سود را شاهد باشیم.

این کتاب جزو اولین کتاب‌هایی است که به علل بنیادین رخدادهای ذهنی که منجر به شکست می‌شوند پرداخته و با روش‌های روانشناسی ذهن روش اصلاح آن را به‌طور واضح بیان داشته است.

پیشنهاد ما این است که هر فصل با دقت مطالعه و یادداشت‌برداری شود و روش‌های اصلاحی روانشناسانه ذهن را بارها و بارها تمرین کنید تا با ممارست نحوه مواجهه با تجارب تلخ معامله‌گری و زدودن این تجارب تلخ از ذهن را فرا بگیرید. اصلاً در مطالعه کتاب عجله

نکنید چون این روش تفکر که حاصل تجارب سالیان متمادی در زندگی می‌باشد قطعاً در مدت کوتاه اصلاح نخواهد گردید مگر اینکه به عمق معانی کتاب پی برده و شروع به اصلاح آن بنمایید.

به یاد داشته باشید این جمله را که هر چه تلاش بیشتری بکنید دست‌آورد بیشتری خواهید داشت کاملاً غلط است زیرا بسیاری از افراد شب و روز کوشش می‌کنند و کمترین دست‌آورد را دارند جمله‌ی درست این است که با استفاده از ظرفیت‌های بکار نگرفته ذهن، کمترین تلاش را داشته باشید و قطعاً بیشترین دست‌آورد را خواهید داشت.

در فصول هشتم تا دوازدهم به تکنیک‌های بسیار مهمی اشاره کرده‌ایم که امکان جذب حداکثر سود از هر روند را به معامله‌گران خواهد داد اگر به این اثر همانند دیگر آثاری که مطالعه کردید نگاه نکنید و به معانی بدیع آن احاطه یافته باشید شما قطعاً نه تنها معامله‌گر موفق‌تری خواهید شد بلکه این مطالعات امکان حصول حداکثر آرامش و شادی در زندگی برای شما فراهم خواهد ساخت.

امیدواریم این کتاب بیش از مفاهیم بکار رفته در کتاب قبلی در تحلیل و معامله‌گری به روش بیل‌ویلیامز مؤثر بوده و عزیزان دانش‌پژوه و معامله‌گران از آن بهره ببرند.

مقدمه

«تا زمانی که مسیر خود را تغییر ندهیم، به همان جایی که پیش‌رویمان قرار دارد، خواهیم رسید.»

ضرب المثل چینی

اگر قصد داریم از راه معاملات به ثروت دست پیدا کنیم شاید بهتر است دقیقاً درک نماییم که پول چیست؟ اولین گام این است که شخصاً ارزش پول در واقعیت را درک نماییم؟ ابتدا با فهمیدن مفهوم پول شروع می‌کنیم و بعد به این موضوع به صورت عمیق‌تر خواهیم پرداخت.

در اولین نگاه، پول ماهیت واقعی ندارد، بلکه شکلی از تبادلات محلی (منطقه‌ای) است. پول نشان‌دهنده‌ی ارزش می‌باشد و در اصل نمادی فیزیکی برای انرژی یا ارزشی است، که ارزش آن به وسیله‌ی خودمان افزایش یا کاهش پیدا می‌کند. این تغییرات از حوادثی که در بیرون اتفاق می‌افتد، نشأت نمی‌گیرد؛ بلکه از تغییر ذهنیت ما به وجود می‌آید. ما افرادی هستیم که برای اشیاء ارزش‌های مختلفی قرار می‌دهیم. من عصایی دارم که از نظر من بسیار با ارزش است در صورتی که در سوپرمارکت‌ها کمتر از دو دلار قیمت دارد. این عصا برای من بسیار ارزشمند است زیرا متعلق به عموی نابینای من می‌باشد که در ابتدای جوانی برای او پرستیژ داشته است. این عصا در حراج اثاثیه منزل قطعاً بیش از دو دلار برای من نمی‌ارزد ولی من آنرا با 10/000 دلار نیز تعویض نمی‌کنم. ارزش این عصا به علت ارتباطات خانوادگی برای من بسیار والاتر از نرخ آن در بازار است. به همین علت پول با الذاته دارای ارزش کم یا فاقد ارزش است؛ مگر ارزشی را که ما برایش تعیین می‌کنیم. اشیاء نیز بالذاته دارای قیمت نیستند، بلکه ما برای آنها قیمت تعیین می‌کنیم.

آن چیزی که یک خانه و یا یک واحد را امروز یک میلیون دلار ارزش‌گذاری می‌کند، فردا می‌تواند آن را 500,000 دلار ارزش‌گذاری نماید، وقتی که ترس از

فروش مسکن در آینده ذهن صاحبان ملک را درگیر کند. اگر به دقت بررسی کنیم حتی اسکناس پول نیز به درستی معنا و مفهوم پول را ارائه نمی‌دهد. بر اساس بعضی از آمار بانکی، تنها 4% از پول‌های در حال تبادل بین بانکی به صورت پول چاپی است. فضایی که برای گنجایش یک میلیون دلار سهام با اسکناس یک دلاری در نظر گرفته می‌شود، یک تن وزن دارد و فضای زیادی را به خود اختصاص خواهد داد.

موقعی که صدام به بانک مرکزی بغداد حمله کرد، برای حمل پنج میلیارد دلار از 3 تریلی استفاده کرد، در صورتیکه همه اسکناس‌ها صد دلاری بودند. دیگر پول جایگزین طولانی مدتی برای نشان دادن ارزش ذخایر طلا نیست. در سال 1970 میلادی استاندارد نگه داشتن ارزش ذخائر طلا با پول چاپی به پایان رسید.

پول در واقع چیزی است که ما زندگی خود را صرف آن می‌کنیم تا مقدار بیشتری از آن را کسب نماییم، و در اصل پول یک فریب بزرگ است. پول در حقیقت تعدادی اعداد بر روی کاغذ است و تنها در بخش ذخیره کامپیوتر وجود دارد. پول وسیله داد و ستد مردم در تعدادی از نهادها همانند کمپانی‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری و یا سایر موارد می‌باشد.

از دیدگاه دیگر با بررسی به عمل آمده، به ازای هر 100 دلار که وجود دارد 4% از آن پول چاپ شده است و 96% دیگر آن در کمپانی‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری به عنوان اعدادی در کامپیوتر و یا اوراق می‌باشد. این حقیقت است که قبول کرده‌ایم در این شرایط زندگی کنیم! پس چه چیزی باعث می‌شود که ما این خیال و توهم را بپذیریم؟

اگر پول واقعی نیست پس چه می‌باشد؟

در اصل پول سایه چیز دیگری است. تمرکز کردن بر این اسکناس پول (سایه) بسیار غیر عاقلانه است و برای حسابهای بانکی و مؤسسات سرمایه‌گذاری بسیار خطرناک می‌باشد. استراتژی دیگری که به سود بیشتری منجر می‌شود، این است که به ارزشی که در درون شما و دیگران قرار دارد توجه بیشتری نمایید. به انتقال و تبادل این ارزشها بین مردم در هر معامله توجه نمایید. به درستی که این ارزش

داخلی خودش پول بوجود می‌آورد. اگر ما بتوانیم به تغییرات داخلی ارزش در خودمان و دیگران دقت نماییم، آن‌گاه می‌توانیم فرصت‌های سودآوری را به دست آوریم که دیگران آن را از دست می‌دهند.

اجازه دهید موضوع را جمع‌بندی کنیم، پول به عنوان بخشی از ارزش درونی ما است درحالی‌که نمی‌تواند نشان دهنده‌ی کلیت ارزش درونی مان باشد. پول فقط می‌تواند یک جنبه از ارزش‌های درونی را نشان دهد. در غیر این صورت ثروتمندترین فرد بیشترین ارزش‌های درونی را می‌بایست داشته باشد؛ که می‌دانیم غلط است. لزومی ندارد فردی ثروتمند از یک فرد فقیر بهتر باشد. در ارتباط با بعد مادی می‌توان گفت: مردم ثروتمند دارای ارزش‌های درونی والاتری در این جنبه هستند و یا تمرین کرده‌اند که ارزش‌های خود در این زمینه را ارتقاء دهند.

این توانایی تمرین کردن برای کسب ارزش‌های والاتر برای همه امکان‌پذیر است. شما آزادید که این تمرین را انجام دهید یا ندهید و یا اینکه این ارزش را در درون خودتان اعتلا بخشید. شما می‌توانید انتخاب کنید و هیچ کس و یا هیچ چیز نمی‌تواند مانع شما بشود. هر چیزی که برای موفقیت در معامله و بازار نیاز دارید در درون شماست.

شما ممکن است آن را فراموش کرده باشید ولی آن هنوز در درون شماست. این مهم است که به یاد داشته باشید پول واقعی نیست و سایه‌ی برخی چیزهای دیگر است. شما در حال حاضر یک معامله‌گر موفق هستید؛ درحالی‌که شاید نتوانید خود را آنچنان که باید آراسته گردانید و یا اینکه احساسات خود را به درستی بیان کنید و یا حتی بازار را به درستی درک نمایید. در حال حاضر شما فردی ثروتمند هستید ولی یاد نگرفته‌اید که چگونه این بعد از وجودتان را شکوفا نمایید. اگر در اعماق وجودتان این واقعیت را درک کنید، از هر فرصتی در بازار می‌توانید استفاده نمایید و این هوشیاری را تبدیل به سرمایه نمایید. با درک این موضوع می‌توانید بُعدی از وجودتان را شکوفا کنید و موقعیت‌های سودآور زیادی را هر روز برای خودتان بوجود آورید.

دقت کنید که چرا الان این کتاب را مطالعه می‌نمایید؟ باید توجه کنید که نه تنها پول چاپی واقعی نیست بلکه بسیاری از چیزهایی که ما گرامی می‌داریم و برایمان عزیز هستند نیز واقعی نیستند.

شما اکنون در شروع یک سفر زیبا و آزادانه هستید، که برایتان دنیای معاملات و سرمایه‌گذاری را آشکار می‌کند. در این راه فقط باید چشم‌هایتان و بال‌هایتان را باز نمایید، و بر روی زیر بنای زندگی، معاملات و سرمایه‌گذاری تمرکز نمایید. شما فرا خواهید گرفت که چگونه بازار را با علاقمندی‌هایتان تطبیق دهید. یک بار که این کار را انجام دهید، پرهیز از موفقیت در این بازار بسیار سخت می‌گردد. این تجربه جدید به شما این آزادی را می‌دهد که ابعاد دیگری از زندگیتان را تجربه کنید که حتی در رویا نیز به آن توجه نمی‌کرده‌اید؛ همچنین شما در این مسیر به سمت شاد بودن در زندگی حرکت خواهید کرد. پس به مهیج‌ترین و سودآورترین سفر، که از این یادگیری در زندگی به دست خواهید آورد خوش آمدید!

حال این کتاب برای شما چه ارزشی خواهد داشت؟ آیا ممکن است 10/000 دلار هر هفته یا 40/000 دلار ماهیانه یا شاید 500/000 دلار سالیانه به دست آورید؟ استفاده دقیق از تکنیک‌های شرح داده شده در این کتاب بسیاری از همکارانمان را در طول این سالیان میلیاردر کرده است. دلیلی وجود ندارد که شما نتوانید همین کار را انجام دهید!

حقیقت با دانستن چگونگی (رویکرد، پروسه و ...) حاصل می‌گردد. دانش در این زمینه قدرت است. اینکه با دانسته‌هایتان چه کاری را انجام دهید، تعیین می‌کند که در آینده چقدر موفق خواهید شد.

داشتن دانش و فهم درست به تنهایی ارزش ندارد. این کتاب برای اینست که شما با استفاده از آن بتوانید به تکنیک‌ها عمل کنید و بدنبال آن از لحاظ مالی قدرتمند شوید.

اولین بخش این کتاب به این موضوع می‌پردازد: فهم اینکه این اتفاقات چگونه در درونمان رخ می‌دهد، تعیین خواهد کرد که در معامله کردن و سرمایه‌گذاری چه مقدار سود به دست خواهیم آورد. اگر شما بدرستی بدانید که چه چیزی ماشین را به

جلو می‌برد در عبور و مرور و رانندگی کردن کمترین مشکل را خواهید داشت. اگر مشکلی به وجود آید شما می‌توانید ماشین را تعمیر کنید قبل از اینکه برای سلامتی و شادیتان زیان آور گردد. سپس شما فرا خواهید گرفت که ذات اصلی بازار چیست و چگونه کار می‌کند، و به دنبال آن به معرفی راهکارهای مختلف معامله کردن و سرمایه‌گذاری در بازار خواهیم پرداخت. در فصول بعدی به بررسی الگوهای مختلف شخصیتی معامله‌گران و چگونگی استفاده از ذهن خواهیم پرداخت. شما متوجه می‌شوید که چگونه با انتخاب هر کدام از الگوهای شخصیتی به سود یا ضرر دست خواهید یافت.

به اولین روز معامله‌گری به سبک جدید خوش آمدید!

شما می‌توانید با یادگیری این که چه چیزهایی باعث شکست می‌شوند، سیکل شکست (و درماندگی) را بشکنید.

این کتاب نه تنها علت شکست اکثر معامله‌گران در بازار را ذکر می‌کند، بلکه به آخرین یافته‌های فیزیک و روانشناسی مرتبط با بازار و معامله‌گری خواهد پرداخت. همه ما می‌دانیم که معاملات امروزی نسبت به چند سال گذشته تفاوت‌های محسوسی داشته است. معامله‌گری و سرمایه‌گذاری در بازار صعودی سال 1990 بسیار آسان بود. با این وجود اکنون شرایط مختلفی را در بازار جهانی مشاهده می‌کنیم. استفاده از تکنیک معاملاتی قرن بیستم در قرن بیست و یکم بیشترین ضمانت برای شکست احتمالی را دارد. یک شخص نمی‌تواند به مدت طولانی احساس امنیت در خرید سهام و نگهداری آن برای سالها حتی دوران بازنشستگی را داشته باشد.

میلیون‌ها آمریکایی در دوران بازنشستگی‌شان هنگامی که ارزش سهام یک یا چند کمپانی که در آن سرمایه‌گذاری کرده بودند، سقوط محسوسی کرده بود، سرمایه‌هایشان را بر باد رفته دیدند. به همین علت مردم می‌خواستند بر روی سرمایه‌گذاری‌هایشان مدیریت انجام دهند. به دنبال آن سرمایه‌گذاری بلند مدت غیر قابل اتکاء و غیر ایمن گردید، و همچنین درصد جذب سرمایه‌گذاری شروع به کاهش

کرد، و بسیاری از سرمایه‌گذاران احساس کردند به یک بخش قابل اعتماد برای آینده و یا دوران بازنشستگی نیاز دارند. در طی این مدت بسیاری از مردم شغل‌هایشان را از دست دادند و فقط سرمایه‌اندکی برایشان و برای آینده‌شان باقی ماند. به همین دلیل بسیاری از افراد بازنشسته به دنبال این موضوع بودند که مستمری بازنشستگی‌شان را با راهکارهایی حفظ کنند و روش‌هایی را بیابند که این مستمری افزایش پیدا کند. آنها تنها نیاز به آموزش مناسب و فهمیدن چگونگی کارکرد بازار داشتند. حال مردم به دنبال فراگیری مطلبی بودند تا بتوانند مدیریت سرمایه‌ی‌شان را در یک افق کوتاه مدت انجام دهند و همچنین روشی را فراگیرند که ضرر سپرده‌ها و سرمایه‌ی‌شان را به حداقل برسانند. در این کتاب دقیقاً به این موضوعات خواهیم پرداخت. مخاطبان این کتاب هم افراد تازه کار و هم معامله‌گران خبره و حرفه‌ای هستند. هدف ما در این کتاب اینست:

- تمامی این مطالب را به صورت کامل آموزش دهیم تا شما بتوانید از آنها به صورت عملی در بازار استفاده کنید (سهام، معاملات بلندمدت، شاخص و غیره)
- آموزش به افراد تازه کار و معامله‌گران حرفه‌ای که چطور بازار را پیش بینی کنند و چگونه با استفاده از تکنیک‌های ما، به موقعیت‌های صعودی و نزولی پاسخ دهند.
- ایجاد توانایی در معامله‌گران تا بتوانند واکنشی مناسب برای به‌دست آوردن سود در معاملات کوتاه مدت (به خوبی سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت) نشان دهند. ما این تکنیک را معامله‌گری / سرمایه‌گذاری می‌نامیم، که تکنیک ورود درست به معامله کوتاه‌مدت و خروج از آن را به دقت نشان می‌دهد. در این روش در صورت ایجاد فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری، می‌توان وارد معاملات بلندمدت گردید.
- کاوش عمیق‌تر در روان معامله‌گران یا سرمایه‌گذاران که چطور معاملات سودآور و ضرر ده را مدیریت کنند، به نحوی که در زندگیشان استرس وارد نگردد.

- خلاصه کردن و ساده سازی تکنیک‌های کتاب‌های پیشین که ثابت کرده است که می‌توان از هر روند بیش از دو برابر سود کسب کرد (با استفاده از معاملات در خلاف روند)

تمام تحلیل‌ها به ما این احساس را می‌دهد که این کتاب به مراتب قابل اجراتر، ساده تر و قابل فهم تر می‌باشد و بطور قابل ملاحظه‌ای تکنیک به‌دست آوردن سودهای بیشتر را در بازار قرن 21 برای ما فراهم خواهد نمود. تجربه‌های شخصی در معاملات برای ما این موضوع را ثابت کرده است.

برای مثال در سال 2002 معامله‌گران فکر نمی‌کردند سال خوبی را در پیش‌رو داشته باشند (به خاطر رکود طولانی بازار) در صورتی که برای معامله‌گران فعال پرسودترین سال در طی 45 سال گذشته‌اش بوده است. اساساً سال 2002 بازار نزولی بود. برای کسب تجربه، در طی این سال حتی یک سهم را هم نفروختیم و هیچ معامله فروشی انجام ندادیم! آن سال هنوز پر سودترین سال برای ماست و از این تغییر و تحول در بازارها هیجان زده هستیم. در سمینار اخیر این تکنیک بسیار مورد توجه قرار گرفت.

حال زمان آن رسیده است که یک نفس عمیق بکشید و خودتان را برای مطالبی که می‌خواهیم در اختیارتان قرار دهیم، آماده کنید. این تکنیک از سایر کتاب‌های معامله‌گری متفاوت خواهد بود، زیرا براساس روش دینامیک غیرخطی و علم بی‌نظمی نوشته شده است.

در کتاب I ching Hexagram 3 این تیتر نوشته شده است: «بی‌نظمی، جایی که رویاهای بزرگی شروع می‌شود». در ذیل این موضوع بیان می‌شود: «قبل از اینکه یک دیدگاه به واقعیت تبدیل شود احتمالاً باید با سختی روبرو گردید. قبل از اینکه یک شخص به بزرگترین تلاش دست بزند ممکن است با بی‌نظمی مواجه شود، همانند یک نهالی که زمین را بسختی می‌شکند، و این مطلب حاکی از آن است که درختی تنومند در حال شکل‌گیری است؛ پس باید بعضی اوقات در مقابل سختی‌ها بایستیم تا بتوانیم رویاهای خود را محقق کنیم.»

کتاب I ching Hexagram همچنین مطلبی را به نام اثر پروانه‌ای توضیح می‌دهد که در آن مفهوم بی‌نظمی اینگونه شرح داده شده است: تغییری کوچک در ابتدای یک شرایط تغییرات بزرگی در آینده را موجب می‌گردد.

استفاده از تکنیک‌ها و روش‌هایی که ذکر می‌کنیم به این معناست که ما تنها به تغییر چند ایده‌ی اساسی در درونمان نیاز داریم، تا نتایج خارق‌العاده‌ای را کسب نماییم. بنابراین اولین چیز مهم برای ما این تغییر است. اولین تغییر باید این باشد:

هیچ‌گاه به حرف حرفه‌ای‌ها گوش ندهید!

عمل به این توصیه ممکن است در ابتدای کار بسیار سخت باشد، ولی به مرور زمان با یادگیری بیشتر راهکارها و کسب تجربه، این هدف قابل دسترسی است. به یاد داشته باشید طیف وسیعی از معامله‌گران بازار از این توصیه استفاده نمی‌کنند، و همچنین به یاد داشته باشید که نویسندگان اطلاعاتی به مراتب کمتر از شما در مورد عملکرد بازار دارند. به تحلیل‌گران و آنالیزگرهای بازار بابت جملاتی که می‌نویسند پول داده می‌شود نه به خاطر درستی تحلیل شان در مورد بازار! اگر آنها به درستی بازار را درک می‌کردند به جای نویسندگی، از معاملاتشان در بازار، سرمایه‌ای عظیم کسب می‌کردند.

مطلبی که برای من در فعالیت 45 ساله‌ام در بازار تعجب‌آور بوده است، این است که هیچ کدام (یا با دقت بیشتر تعداد کمی) از دانشمندان نمی‌دانستند که در زندگی دقیقاً چه کاری انجام می‌دهند؛ این حقیقت در مورد بروکرها نیز صادق است. آیا فکر می‌کنید که بروکری وجود دارد چه زن و یا مرد که در صورت انجام معامله‌ای درست و سودآور همچنان بروکر بماند؟ بروکر بودن شغل بدی است. هر کسی بروکرها را ملامت می‌کند: مشتری‌هایشان برای اینکه پول به دست نمی‌آورند و رؤسایشان برای اینکه فروش بیشتری ندارند. این مطلب بسیار ساده است، حیات و زندگی همه بروکرها در فروش سهام و کالا است. امرار معاش آن‌ها به خرید مشتری‌هایشان بستگی دارد.

ما (گروه معامله‌گران سودآور) اعتقاد داریم که بیشترین درصد فارغ‌التحصیلان موفق را داشته ایم که اکنون معامله‌گران مستقلی در جهان هستند. همه آنها دقیقاً از همین تکنیکی که در این کتاب به اشتراک گذاشته شده است استفاده کرده‌اند.

اطلاعاتی بیشتر در مورد راهکار معامله / سرمایه‌گذاری

معامله‌گری بدون تردید بهترین روش زندگی قابل تصور برای هر فردی است. شما رئیس خود هستید و یک سری مسئولیت را باید بعهده بگیرید. در صورت ضرر کردن کسی غیر خودتان مقصر نمی‌باشد، همین‌طور وقتی که در بازار سودی کسب می‌کنید نیز نباید از کسی تشکر کنید. به عبارت دیگر نیاز نیست که از نظر سیاسی و اجتماعی درست عمل کنید، و این نوع زندگی چه تغییر اساسی در کیفیت زندگی ایجاد می‌کند و باعث می‌گردد از زندگی خود لذت ببرید. همسر در مقاله‌ای که در توصیف معامله‌گری نوشته بود، آن را این‌گونه توصیف نمود:

«معامله همانند تیغی است برای اصلاح زندگی.»

معامله کردن هیجان‌انگیزترین، لذت‌بخش‌ترین و سودآورترین روش زندگی است. این روش راه ساده‌ای را برای لذت بردن از زندگی فراهم می‌کند، روشی که در آن بابت تلاش خودتان پاداش کسب می‌کنید. با این وجود اکثر معامله‌گران عصبانی، غمگین، خسته و دچار سرگشتگی هستند و گاهی متعجب هستند که چرا این روش را انتخاب نموده‌اند! اکثر معامله‌گران معامله را شغلی به شدت استرس‌زا می‌دانند.

در این جا به چند سئوالی که معامله‌گران فعال مطرح کرده‌اند، می‌پردازیم:

- چه طور می‌توانیم هم از بازار لذت ببریم و هم از بازار سود کسب نماییم؟
- چرا اینقدر به انجام معامله اعتیاد دارم، درحالی‌که اینقدر ناامیدی (شکست) در بازار وجود دارد؟
- چگونه می‌توان آرامش خود را در زندگی حفظ کرد در صورتیکه در دنیای پرتلاطم بازار در حال معامله کردن هستیم؟
- چگونه می‌شود نگرانی را در این فضای تهدیدآمیز متوقف کرد؟
- چرا بسیاری از معامله‌گران به طور ثابت ضرر می‌دهند؟

- چرا بروکر من توصیه‌های بدی در بازار می‌کند؟
 - چرا روزنامه‌ها تکنیک‌ها را به صورت اغراق آمیز و سودآور توصیف می‌کنند، اما وقتی که براساس آن توصیه‌ها معامله می‌کنم معاملات موجب از دست دادن سرمایه‌ام می‌گردد؟

برای بسیاری از افراد زمانی که در بازار سود کسب می‌کنند ترسی از نهمان به آنها می‌گوید که احتمالاً در معامله بعدی ضرر خواهند کرد! آنها خودشان را خسته می‌کنند همانند اینکه سعی می‌کنند حال و آینده را به وسیله‌ی تحلیل‌های‌شان براساس گذشته کنترل نمایند. معال‌گران آرزو دارند در زمانی که آرام هستند و بر اعصاب خود تسلط دارند، معاملات را انجام دهند.

برای اکثر معامله‌گران داشتن چنین اشتیاق و آرامشی به رویایی دور و دراز در زندگی تبدیل شده است. خوشی معامله کردن از دست رفته و زندگی‌شان پر از استرس شده است. این معامله‌گران کتاب‌ها، مقالات و خبرگزاری‌های متعددی را رصد کرده‌اند اما عشق آنها به بازار در حال کاهش یافتن است. در این حالت یک چیز بسیار اشتباهی وجود دارد، اما آن اشتباه چیست؟ معامله‌گرانی که با ما و همکارانمان کار کرده‌اند، می‌دانند آنچه را می‌گوییم از تجربه‌ی مان در این سالیان نشأت گرفته است. در این مسیر از معامله‌گران بسیاری کمک گرفته‌ایم و همچنین از ابزارهای تکنیکال مدرنی استفاده کرده‌ایم. اما راهکار اساسی برای اجرایی کردن این روش به شخصیت فردی هر معامله‌گر برمی‌گردد. ما باید از نزدیک مشاهده کنیم که چگونه در زمان سودکردن یا ضرر کردن در درون معامله‌گران کشمکش روحی و ذهنی ایجاد می‌شود.

سالها تحقیق و تجربه در امر معامله به روشی منتج شده است، که فکر می‌کنیم بیشترین سطح موفقیت برای دست‌یابی به معاملات سودآور در بازار امروزی را رهنمون ساخته است. یک معامله‌گر حرفه‌ای در کلاس جهانی (معامله‌گرانی همانند جورج سورس) مبلغ بسیار بالایی را پیشنهاد داد، برای اینکه از روش مذکور به صورت انحصاری استفاده نماید. محدودیت این پیشنهاد موارد زیر بودند:

اولاً: من هیچ‌گاه به کسی این روش را نشان ندهم.